

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۶۳

آیه ۲۷۵ - ۲۷۷

آیه و ترجمه

الذین یا کلون الربوا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربوا و احل الله البیع و حرم الربوا فمن جاءه موعظة من ربه فانتهی فله ما سلف و امره الی الله و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

یمحق الله الربوا و یربی الصدقات و الله لا یحب کل کفار اثم ان الذین امنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة لهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

ترجمه :

۲۷۵ - کسانی که ربا می خورند، (در قیامت) بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می خورد، گاهی به پا می خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست). در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است). و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (قبل از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست، (و این حکم، گذشته را شامل نمی گردد)، و کار او به خدا واگذار می شود، (و گذشته او را خواهد بخشید). اما کسانی که باز گردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتش اند، و همیشه در آن

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۶۴

می مانند.

۲۷۶ - خداوند، ربا را نابود می کند، و صدقات را افزایش می دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی دارد.

۲۷۷ - کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند

و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان است، و نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می شوند.

تفسیر :

رباخواری نقطه مقابل انفاق

به دنبال بحث درباره انفاق در راه خدا و بذل مال برای حمایت از نیازمندان در این آیات از مساله رباخواری که درست بر ضد انفاق است، سخن می گوید و در حقیقت هدف آیات گذشته را تکمیل می کند، زیرا رباخواری موجب افزایش فقر در جامعه و تراکم ثروت در دست عده های محدود و محرومیت اکثر افراد اجتماع است، انفاق سبب پاکی دل و طهارت نفوس و آرامش جامعه، و رباخواری سبب پیدایش بخل و کینه و نفرت و ناپاکی است. این آیات با شدت تمام، ممنوعیت حکم ربا را شرح می دهد ولی از لحن آن پیدا است که قبل از آن درباره ربا گفتگوهایی شده است و باتوجه به تاریخ نزول سوره های قرآن، مطلب همین گونه است.

زیرا در سوره روم که طبق ترتیب نزول قرآن سیامین سوره ای است که در مکه نازل شده سخن از ربا به میان آمده و در هیچ یک از سوره های مکی غیر از آن به مطلبی درباره ربا برخورد نمی کنیم ولی در این سوره کلام درباره ربا تنها به صورت اندرز اخلاقی آمده و می فرماید: رباخواری در پیشگاه پروردگار کار پسندیده ای نیست و ما آیتیم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عند الله

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۶۵

از نظر افراد کوتاه بین ممکن است ثروت به وسیله رباخواری زیاد گردد اما در پیشگاه خداوند چیزی بر آن افزوده نخواهد شد.

سپس بعد از هجرت در سه سوره دیگر از سوره هایی که در مدینه نازل شده بحث از ربا به میان آمده است که به ترتیب عبارتند از سوره بقره - آل عمران - نساء - گرچه سوره بقره قبل از آل عمران نازل شده اما بعید نیست که خصوص آیه ۱۳۰ سوره آل عمران که حکم صریح تحریم ربا را بیان می کند قبل از سوره بقره و آیات فوق نازل شده باشد.

به هر حال این آیه و سایر آیات مربوط به ربا هنگامی نازل شد که رباخواری با شدت هر چه تمامتر در مکه و مدینه و جزیره عربستان رواج داشت، و یکی از عوامل مهم زندگی طبقاتی و ناتوانی شدید طبقه زحمتکش و طغیان اشراف بود و لذا مبارزه قرآن با ربا بخش مهمی از مبارزات اجتماعی اسلام را تشکیل

می دهد.

با توجه به این نکته به تفسیر آیه باز می گردیم: نخست در یک تشبیه گویاو رسا، حال رباخواران را مجسم می سازد، می فرماید: کسانی که ربامی خورند، بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان با اودیوانه شده و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاه به زمین می خورد و گاه بر می خیزد (الذین یا کلون الربوا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس). در این جمله شخص رباخوار، تشبیه به آدم مصروع یا دیوانه بیمارگونه ای شده که به هنگام راه رفتن قادر نیست تعادل خود را حفظ کند و به طور صحیح گام بر دارد.

آیا منظور ترسیم حال آنان در قیامت و به هنگام ورود در صحنه رستاخیز

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۶۶

است؟ یعنی آنها به هنگام ورود در عرصه محشر به شکل دیوانگان و مصروعان محشور می شوند؟

اکثر مفسران این احتمال را پذیرفته اند.

ولی بعضی می گویند منظور تجسم حال آنها در زندگی این دنیا است، زیرا عمل آنها همچون دیوانگان است، آنها فاقد تفکر صحیح اجتماعی هستند و حتی نمی توانند منافع خود را در نظر بگیرند و مسائلی مانند تعاون، همدردی، عواطف انسانی، نوع دوستی برای آنها، مفهومی ندارد و پرستش ثروت آن چنان چشم عقل آنها را کور کرده که نمی فهمند استثمار طبقات زیر دست، و غارت کردن دسترنج آنان بذردشمنی را در دلهای آنها می پاشد، و به انقلابها و انفجارهای اجتماعی که اساس مالکیت را به خطر می افکند منتهی می شود، و در این صورت امنیت و آرامش در چنین اجتماعی وجود نخواهد داشت، بنابراین اوهم نمی تواند راحت زندگی کند، پس مشی او مشی دیوانگان است. اما از آنجا که وضع انسان در جهان دیگر تجسمی از اعمال او در این جهان است ممکن است آیه اشاره به هر دو معنی باشد، آری رباخواران که قیامشان در دنیا بیرویه و غیر عاقلانه و آمیخته با ثروت اندوزی جنون آمیز است، در جهان دیگر نیز بسان دیوانگان محشور می شوند.

جالب اینکه در روایات معصومین (علیهما السلام) به هر دو قسمت اشاره شده است در روایتی در تفسیر آیه می خوانیم که امام صادق (علیه السلام) فرمود: *أکل الربا لا یخرج من الدنیا حتی یتخبطه الشیطان یعنی، رباخوار از دنیا بیرون*

نمی‌رود مگر این که به نوعی از جنون مبتلا خواهد شد.
و در روایت دیگر برای مجسم ساختن حال رباخواران شکمبار که تنه‌ابه

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۶۷

فکر منافع خویشاند و ثروتشان و بال آنها خواهد شد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین نقل شده که فرمود: هنگامی که به معراج رفته‌دسته‌ای را دیدم بحدی شکم آنان بزرگ بود که هر چه جدیت می‌کردند بر خیزند و راه روند، برای آنان ممکن نبود، و پی در پی به زمین می‌خوردند از جبرئیل سوال کردم اینها چه افرادی هستند و جرمشان چیست؟
جواب داد: اینها رباخواران هستند.

حدیث اول حالت آشفتگی انسان را در این جهان منعکس می‌سازد و حدیث دوم حالات رباخواران در صحنه قیامت را بیان می‌کند و هر دو مربوط به یک حقیقت است، همانطور که افراد پرخور، فربه‌ی زننده و بی‌رویه‌ای پیدا می‌کنند، ثروتمندانی که از راه رباخواری فربه می‌شوند نیز زندگی اقتصادی نا سالمی دارند که وبال آنها است.

سؤال :

در اینجا سوالی پیش می‌آید و آن این است که آیا سرچشمه جنون و صرع از شیطان است که در آیه بالا به آن اشاره شده است یا این که می‌دانیم صرع و جنون از بیماری‌های روانی هستند و غالباً عوامل شناخته شده‌ای دارند.

پاسخ :

جمعی معتقد هستند که تعبیر مس شیطان کنایه از بیماری روانی و جنون است و این تعبیر در میان عرب معمول بوده نه اینکه واقعاً شیطان تأثیری در روح انسان بگذارد ولی هیچ بعید نیست که بعضی از کارهای شیطانی و اعمال بی‌رویه و نادرست سبب یک نوع جنون شیطانی گردد، یعنی به دنبال آن اعمال، شیطان در شخص اثر بگذارد و تعادل روانی او را بر هم زند از این گذشته اعمال شیطانی و نادرست هنگامی که روی هم متراکم گردد اثر طبیعی آن از دست رفتن حس

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۶۸

تشخیص صحیح و قدرت بر تفکر منطقی می‌باشد.
سپس به گوشه‌های از منطق رباخواران اشاره کرده، می‌فرماید: این به خاطر آن

است که آنها گفتند: بیع هم مانند ربا است و تفاوتی میان این دویست (ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربوا).

یعنی هر دو از انواع مبادله است که با رضایت طرفین انجام می‌شود. ولی قرآن در پاسخ آنها می‌گوید: چگونه این دو ممکن است یکسان باشد حال آنکه خداوند بیع را حلال کرده و ربا را حرام (و احل الله البیع و حرم الربوا). مسلماً این تفاوت، دلیل و فلسفه‌ای داشته که خداوند حکیم، به خاطر آن چنین حکمی را صادر کرده است، قرآن در این باره توضیح بیشتری نداده و شاید به خاطر وضوح آن بوده است، زیرا:

اولاً- در خرید و فروش معمولی هر دو طرف به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند، گاهی هر دو سود می‌کنند و گاهی هر دو زیان، گاهی یکی سود و دیگری زیان می‌کند در حالی که در معاملات ربوی رباخوار هیچگاه زیان نمی‌بیند و تمام زیانهای احتمالی بر دوش طرف مقابل سنگینی خواهد کرد و به همین دلیل است که موسسات ربوی روز به روز وسیعتر و سرمایه‌دارتر می‌شوند و در برابر تحلیل رفتن طبقات ضعیف بر حجم ثروت آنها دائماً افزوده می‌شود.

ثانیاً- در تجارت و خرید و فروش معمولی طرفین در مسیر تولید و مصرف گام بر می‌دارند در صورتی که رباخوار هیچ عمل مثبتی در این زمینه ندارد. ثالثاً- با شیوع رباخواری سرمایه‌ها در مسیرهای ناسالم می‌افتد و پایه‌های اقتصاد که اساس اجتماع است متزلزل می‌گردد، در حالی که تجارت صحیح موجب گردش سالم ثروت است.

رابعاً- رباخواری منشا دشمنیها و جنگهای طبقاتی است، در حالی که

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۶۹

تجارت صحیح چنین نیست و هرگز جامعه را به زندگی طبقاتی و جنگهای ناشی از آن سوق نمی‌دهد.

سپس راه را به روی توبه‌کاران باز گشوده، می‌فرماید: هر کس اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (قبل از حکم تحریم ربا) به دست آورده مال او است و کار او به خدا واگذار می‌شود و گذشته او را خدا خواهد بخشید (فمن جاءه موعظة من ربه فانتهی فله ما سلف و امره الی الله).

اما کسانی که (به خیره‌سری ادامه دهند) و باز گردند (و این گناه راهمچنان

ادامه دهند) آنها اهل دوزخاند و جاودانه در آن می‌مانند (و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون).

در جمله قبل تصریح شده بود که این قانون مانند هر قانون دیگر گذشته را شامل نمی‌شود، و به اصطلاح عطف به ما سبق نمی‌گردد، زیرا اگر قوانین بخواهد زمان قبل از تشریع خود را شامل شود، مشکلات فراوانی در زندگی مردم به وجود می‌آید، به همین دلیل همیشه قوانین از زمانی که رسمیت می‌یابد اجرا می‌شود.

البته معنی این سخن آن نیست که اگر رباخواران طلب‌هایی از افراد داشتند می‌توانستند بعد از نزول آیه چیزی بیش از سرمایه خود از آنها بگیرند، بلکه منظور این است سودهایی که قبل از نزول آیه گرفته‌اند بر آنها مباح شده است. جمله و امره الی الله گر چه ظاهرش این است که آینده این گونه افراد از نظر عفو و مجازات روشن نیست، بلکه بسته به لطف الهی است، ولی باتوجه به جمله قبل از آن (فله ما سلف)، معلوم می‌شود که منظور همان عفو است، گویا اهمیت گناه ربا سبب شده است که حتی حکم عفو درباره کسانی که قبل از نزول آیه دست به این کار زده‌اند به طور صریح گفته نشود. در معنی این جمله، احتمالات دیگری نیز داده‌اند که چون بر خلاف ظاهر

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۷۰

بود از نقل آن صرف نظر شد.

در پایان این آیه اشاره به عذاب جاویدان شده بود، با اینکه می‌دانیم چنین عذابی مخصوص کفار است، نه افراد با ایمان گنهکار، گویا این تعبیر اشاره به آن است که رباخواران که اصرار بر ربا دارند، ایمان درستی ندارند، چرا که با این قانون مسلم الهی که مخالفت با آن، همچون جنگ با خداوند است به مخالفت برخاستند و یا اینکه رباخواری مستمر و دائم سبب می‌شود که آنها بدون ایمان از دنیا بروند و عاقبتشان تیره و تار گردد.

این احتمال نیز وجود دارد که خلود در اینجا مانند آیه ۹۳ سوره نساء که حکم عذاب جاودان و خلود را درباره قاتلان افراد بی گناه ذکر کرده به معنی مجازات طولانی باشد نه ابدی و جاویدان.

در آیه بعد مقایسه‌ای بین ربا و انفاق در راه خدا می‌کند، می‌فرماید: خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد (یمحق الله الربوا و یربی الصدقات).

سپس می‌افزاید: خداوند هیچ انسان بسیار ناسپاس گنهکار را (که آن همه برکات انفاق را فراموش کرده و به سراغ آتش سوزان رباخواری می‌رود) دوست نمی‌دارد (و الله لا یحب کل کفار اثمی).

محق به معنی نقصان و نابودی تدریجی است، و ربا نمو و رشد تدریجی است از آنجا که رباخوار به وسیله ثروتی که در دست دارد حاصل دسترنج طبقه زحمتکش را جمع می‌کند و گاه با این وسیله به هستی وزندگی آنان خاتمه می‌دهد

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۷۱

و یا لا اقل بذر دشمنی و کینه در دل آنان می‌پاشد به طوری که تدریجاً تشنه خون رباخوار می‌گردند و جان و مالش را در معرض خطر قرار می‌دهند. قرآن می‌گوید: خدا سرمایه‌های ربوی را به نابودی سوق می‌دهد این نابودی تدریجی که برای افراد رباخوار هست برای اجتماع رباخوار نیز می‌باشد. در مقابل، کسانی که با عواطف انسانی و دلسوزی در اجتماع گام می‌نهند و از سرمایه و اموالی که تحت اختیار دارند انفاق کرده و در رفع نیازمندیهای مردم می‌کوشند، با محبت و عواطف عمومی مواجه می‌گردند و سرمایه آنها نه تنها در معرض خطر نیست بلکه با همکاری عمومی، رشد طبیعی خود را می‌نماید این است که قرآن می‌گوید و انفاقها را افزایش می‌دهد. این حکم در فرد و اجتماع یکی است، در اجتماعی که به نیازمندیهای عمومی رسیدگی شود قدرت فکری و جسمی طبقه زحمتکش و کارگر که اکثریت اجتماع را تشکیل می‌دهد بکار می‌افتد و به دنبال آن یک نظام صحیح اقتصادی که بر پایه همکاری عمومی و بهره‌گیری عموم استوار است به وجود می‌آید.

کفار (از ماده کفور بر وزن فجور) به کسی گویند که بسیار ناسپاس و کفران‌کننده باشد و اثم کسی است که گناه زیاد مرتکب می‌شود. جمله فوق می‌گوید: رباخواران نه تنها با ترک انفاق و قرض الحسنه و صرف مال در راه نیازمندیهای عمومی شکر نعمتی که خداوند به آنها ارزانی داشته به جا نمی‌آورند بلکه آن را وسیله هر گونه ظلم و ستم و گناه و فساد قرار می‌دهند و طبیعی است که خدا چنین کسانی را دوست نمی‌دارد.

و در آخرین آیه مورد بحث سخن از گروه با ایمانی می‌گوید که درست نقطه مقابل رباخوارانند، می‌فرماید: کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام

دادند و زکات را پرداختند اجر و پاداششان نزد خدا است، نه ترسی بر آنان است و نه

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۷۲

غمگین می‌شوند (ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة لهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون). در برابر رباخواران ناسپاس و گنهکار، کسانی که در پرتو ایمان، خودپرستی را ترک گفته و عواطف فطری خود را زنده کرده و علاوه بر ارتباط با پروردگار و برپا داشتن نماز، به کمک و حمایت نیازمندان می‌شتابند و از این راه از تراکم ثروت و به وجود آمدن اختلافات طبقاتی و به دنبال آن هزار گونه جنایت جلوگیری می‌کنند پاداش خود را نزد پروردگار خواهند داشت و در هر دو جهان از نتیجه عمل نیک خود بهره‌مند می‌شوند. طبیعی است دیگر عوامل اضطراب و دلهره برای این دسته به وجود نمی‌آید خطری که در راه سرمایه داران مفت خوار بود و لعن و نفرین‌هایی که به دنبال آن نثار آنها می‌شد برای این دسته نیست. و بالاخره از آرامش کامل برخوردار بوده هیچگونه اضطراب و غمی نخواهند داشت همانگونه که در پایان آیه آمده و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۷۳

آیه ۲۷۸-۲۸۱

آیه و ترجمه

یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربوا ان کنتم مومنین فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله و ان تبتم فلکم روس امولکم لا تظلمون و لا تظلمون

و ان کان ذو عسرة فنظرة الی میسرة و ان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون و اتقوا یوما ترجعون فیہ الی الله ثم توفی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

ترجمه :

۲۷۸ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا به‌پرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید، اگر ایمان دارید!

۲۷۹ - اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما، از آن شماست (اصل سرمایه، بدون سود)، نه

ستم می کنید، و نه بر شما ستم وارد می شود.

۲۸۰ - و اگر (بدهکار)، قدرت پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید! (و در صورتی که به راستی قدرت پرداخت را ندارد)، برای خدا به او ببخشید بهتر است، اگر (منافع این کار را) بدانید!

۲۸۱ - و از روزی به پرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به سوی خدا باز می گردانند، سپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل بازپس داده می شود، و به آنها ستم نخواهد شد. (چون هر چه می بینند، نتایج اعمال خودشان است).

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۷۴

شان نزول :

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است: پس از نزول آیات ربا شخصی به نام خالد بن ولید خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) حاضر شده عرضه داشت: پدرم چون با طائفه ثقیف معاملات ربوی داشت و مطالباتش را وصول نکرده بود وصیت کرده است مبلغی از سودهای اموال او که هنوز پرداخت نشده است تحویل بگیرم آیا این عمل برای من جایز است؟

آیات فوق نازل شد و مردم را به شدت از این کار نهی کرد.

در روایت دیگری آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از نزول این آیه فرمود: الا ان کل ربا من ربا الجاهلیة موضوع و اول رباضعه ربا العباس بن عبد المطلب: آگاه باشید تمام مطالبات ربوی که در زمان جاهلیت مردم از یکدیگر داشته اند همگی باید فراموش شود و نخستین مطالبات ربوی که من آن را به دست فراموشی می سپارم مطالبات عباس بن عبد المطلب است.

از این جمله به خوبی استفاده می شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به هنگامی که قلم سرخ بر مطالبات ربوی زمان جاهلیت می کشید از بستگان خود شروع کرد و اگر در میان آنها افراد ثروتمندی مانند عباس بودند که در زمان جاهلیت همچون دیگر ثروتمندان آلوده بودند پیامبر نخست مطالبات آنها را الغاء کرد.

و نیز در روایات آمده است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از نزول این آیات به فرماندار مکه دستور داد که اگر آل مغیره که از رباخواران معروف بودند دست از کار خود بر ندارند با آنها بجنگد.

تفسیر :

رباخواری گناهی عظیم است

در آیه نخست خداوند افراد با ایمان را مخاطب قرار داده و برای تاکید بیشتر در مساله تحریم ربا می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا به پرهیزید و آنچه از ربا باقی مانده رها کنید اگر ایمان دارید (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربوا ان کنتم مومنین).

جالب اینکه: آیه فوق هم با ایمان به خدا شروع شده و هم با ایمان ختم شده است. و در واقع تاکید می است بر این معنی که رباخواری با روح ایمان سازگار نیست، بنابراین هنگامی ایمان برای آنها حاصل می شود که تقوا را پیشه کنند و باقی مانده ربا یعنی مطالباتی که در این زمینه دارند رها سازند.

منظور این نیست که رباخواران کافرنند آن گونه که خوارج در مورد گناهان کبیره به طور کلی می پندارند بلکه با ایمان راسخ و ثمر بخش سازگار نیست. در آیه بعد لحن سخن را تغیییر داده و پس از اندرزهایی که در آیات پیشین گذشت با شدت با رباخواران برخورد کرده، هشدار می دهد که اگر به کار خود همچنان ادامه دهند و در برابر حق و عدالت تسلیم نشوند و به مکیدن خون مردم محروم مشغول باشند، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ناچار است با توسل به جنگ جلو آنها را بگیرد، می فرماید: اگر چنین نمی کنید بدانید با جنگ، با خدا و رسول او روبرو خواهید بود (فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله).

این همان جنگی است که طبق قانون قاتلوا التی تبغی حتی تفیء الی امرالله با گروهی که متجاوز است پیکار کنید تا به فرمان خدا گردن نهید انجام می گیرد.

لذا در روایتی می خوانیم هنگامی که امام صادق (علیه السلام) شنید شخص رباخواری با نهایت جرات ربا می خورد و نام آن را لبا (شیر آغاز یا اغوز) می نهاد. فرمود: اگر دست بر او یابم، او را به قتل می رسانم. البته از این حدیث استفاده می شود که حکم قتل در مورد کسانی است که منکر تحریم ربا هستند.

فاذنوا از ماده اذن هر گاه با لام متعدی شود به معنی اجازه دادن است و هر گاه با باء متعدی گردد به معنی علم و آگاهی است، بنابراین فاذنوا بحرب من الله مفهومی این است آگاه باشید که خدا و رسولش با شمارباخواران، پیکار خواهد کرد، و در واقع اعلان جنگ از سوی خدا و رسول به این گروه خیره سر است.

بنابراین آنچه در سخنان بعضی معروف است که در ترجمه آیه می‌گویند: اعلان جنگ با خدا بدهید درست نیست. در هر حال از آیه بالا بر می‌آید که حکومت اسلامی می‌تواند با توسل به زور جلو رباخواری را بگیرد.

(ضمناً آمدن حرب به صورت نکره دلیل بر اهمیت جنگ است). سپس می‌افزاید: و اگر توبه کنید سرمایه‌های شما از آن شما است نه ستم می‌کنید، و نه ستم بر شما می‌شود (و ان تبتم فلکم روس اموالکم لاتظلمون و لاتظلمون).

یعنی اگر توبه کنید و دستگاه رباخواری را بر چینید حق دارید سرمایه‌های اصلی خود را که در دست مردم دارید (به استثنای سود) از آنها جمع‌آوری کنید و این قانون کاملاً عادلانه است زیرا که هم از ستم کردن شما بر دیگران جلوگیری

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۷۷

می‌کند و هم از ستم وارد شدن بر شما، و در این صورت نه ظالم خواهید بود و نه مظلوم.

جمله لا تظلمون و لا تظلمون گر چه در مورد رباخواران آمده ولی در حقیقت یک شعار وسیع پر مایه اسلامی است که می‌گوید: به همان نسبت که مسلمانان باید از ستمگری به پرهیزند از تن دادن به ظلم و ستم نیز باید اجتناب کنند، اصولاً اگر ستمکش نباشد ستمگر کمتر پیدایم شود و اگر مسلمانان آمادگی کافی برای دفاع از حقوق خود داشته باشند کسی نمی‌تواند به آنها ستم کند باید پیش از آنکه به ظالم بگوییم ستم مکن به مظلوم بگوییم تن به ستم مده.

در آیه بعد می‌فرماید: اگر (بدهکار) دارای سختی و گرفتاری باشد او را تا هنگام توانایی مهلت دهید (و ان کان ذو عسرة فنظرة الی میسرة). در اینجا یکی از حقوق بدهکاران را بیان می‌فرماید که اگر آنها از پرداختن اصل

بدهی خود (نه سود) نیز عاجز باشند، نه تنها نباید به رسم جاهلیت سود مضاعفی بر آنها بست و آنها را تحت فشار قرار داد، بلکه باید برای پرداختن اصل بدهی نیز به آنها مهلت داده شود، و این یک قانون کلی درباره تمام بدهکاران است.

حتی در قوانین اسلام که در واقع تفسیری است برای آیه فوق، تصریح شده که هیچگاه نمی‌توان خانه و وسائل زندگی ضروری افراد را به خاطر بدهی آنها توقیف کرد یا از آنها گرفت، بلکه طلبکاران تنها از مازاد آن می‌توانند حق خود را بگیرند و این حمایت روشنی است از حقوق قشرهای ضعیف جامعه. و در پایان آیه می‌فرماید: و (چنانچه قدرت پرداخت ندارند) ببخشید برای شما بهتر است اگر بدانید (و ان صدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون).

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۷۸

این در واقع گامی فراتر از مسائل حقوقی است، این یک مساله اخلاقی و انسانی است که بحث حقوقی سابق را تکمیل می‌کند و به طلبکاران می‌گوید: در این گونه موارد که بدهکاران سخت در مضیقه‌اند اگر بدهی آنان بخشوده شود، از هر نظر برای شما، بهتر است، احساس کینه‌توزی و انتقام را به محبت و صمیمیت مبدل می‌سازد و افراد ضعیف جامعه را به فعالیت مجددی که نتیجه‌اش عاید همگان می‌شود، و می‌دارد و اضافه بر اینها صدقه و انفاقی در راه خدا محسوب می‌شود که ذخیره روز بازپسین است.

و در آخرین آیه مورد بحث با یک هشدار شدید، مساله ربا را پایان می‌دهد و می‌فرماید: از روزی به پرهیزید که در آن به سوی خدا باز می‌گردید (و اتقوا یوما ترجعون فیه الی الله).

سپس به هر کس آنچه را انجام داده باز پس داده می‌شود (ثم توفی کل نفس ما کسبت).

و به آنها ستمی نخواهد شد بلکه هر چه می‌بینند نتیجه اعمال خودشان است (و هم لا یظلمون).

معمول قرآن مجید این است که پس از بیان ریزه کاریهای احکام و برنامه‌های اسلامی در بسیاری از موارد، یک تذکر کلی و عمومی و جامع برای تاکید و تحکیم آنچه قبلا گفته شده است بیان می‌دارد تا احکام و برنامه‌های پیشین کاملاً در فکر و جان نفوذ کند. لذا در این آیه مردم را متوجه رستاخیز و کیفر

اعمال بدکاران ساخته و به آنها هشدار می‌دهد که توجه داشته باشند، روزی در پیش است که همه اعمال انسان بدون کم و کاست به او داده می‌شود و تمام آنچه را که در بایگانی عالم هستی نگهداری شده یک جا به دست وی می‌سپارند آنگاه است که از نتایج شوم آنها وحشت می‌کند اما این محصول چیزی است که خود او کشته است و کسی به او

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۷۹

ستم نکرده بلکه این خود او است که به خویش ستم روا داشته است و هم لا یظلمون.

ضمناً این آیه یکی دیگر از شواهد تجسم اعمال انسان در جهان دیگر می‌باشد:

نکته‌ها

- ۱ - جالب توجه اینکه در تفسیر الدر المنثور از چندین طریق نقل شده که این آیه آخرین آیهای است که بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) نازل شده است و با توجه به مضمون آن هیچ بعید به نظر نمی‌رسد و اگر سوره بقره آخرین سوره‌ای که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نازل گردیده نیست منافاتی با این موضوع ندارد، زیرا می‌دانیم گاهی آیاتی که بعداً نازل شده به فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در سوره‌های قبل قرار گرفته است.
- ۲ - زیانهای رباخواری الف - رباخواری تعادل اقتصادی را در جامعه‌ها به هم می‌زند و ثروتها را در یک قطب اجتماع جمع می‌کند زیرا جمعی بر اثر آن فقط سود می‌برند و زیانهای اقتصادی همه متوجه جمعی دیگر می‌گردد و اگر می‌شنویم فاصله میان کشورهای ثروتمند و فقیر جهان روز به روز بیشتر می‌گردد یک عامل آن همین است و به دنبال آن بروز جنگهای خونین است.
- ب - رباخواری یک نوع تبادل اقتصادی ناسالم است که عواطف و پیوندها را سست می‌کند و بذر کینه و دشمنی را در دلها می‌پاشد و درواقع رباخواری بر این اصل استوار است که رباخوار فقط سود پول خود را می‌بیند و هیچ توجهی به ضرر و زیان بدهکار ندارد.
- اینجا است که بدهکار چنین می‌فهمد که ربا خوار پول را وسیله بیچاره ساختن او و دیگران قرار داده است.
- ج - درست است که ربا دهنده در اثر احتیاج تن به ربا می‌دهد اما هرگز این بی‌عدالتی را فراموش نخواهد کرد و حتی کار به جایی می‌رسد که فشار پنجه

ربا خوار را هر چه تمامتر بر گلوی خود احساس می کند این موقع است که سراسر وجود بدهکار بیچاره به رباخوار لعن و نفرین می فرستد، تشنه خون او می شود و با چشم خود می بیند که هستی و درآمدی که به قیمت جانش تمام شده به جیب رباخوار ریخته می شود، در این شرائط بحرانی است که دهها جنایت وحشتناک رخ می دهد، بدهکار گاهی دست به انتحار و خودکشی می زند و گاهی در اثر شدت ناراحتی طلبکار را با وضع فجیعی می کشد و گاه به صورت یک بحران اجتماعی و انفجار عمومی و انقلاب همگانی در می آید. این گسستگی پیوند تعاون و همکاری در میان ملتها و کشورهای ربا دهنده و ربا گیرنده نیز آشکارا به چشم می خورد ملت‌هایی که می بینند ثروتشان به عنوان ربا به جیب ملت دیگری ریخته می شود با بغض و کینه و نفرتی خاص به آن ملت می نگرند و در عین اینکه نیاز به قرض داشته‌اند منتظرند روزی عکس العمل مناسبی از خود نشان دهند.

این است که می‌گوییم رباخواری از نظر اخلاقی اثر فوق العاده بدی در روحیه و ام گیرنده به جا می‌گذارد و کینه او را در دل خودش می‌یابد و پیوند تعاون و همکاری اجتماعی را بین افراد و ملتها سست می‌کند. د - در روایات اسلامی در ضمن جمله کوتاه و پر معنایی به اثر سوء اخلاقی ربا اشاره شده است در کتاب وسائل الشیعه در مورد علت تحریم ربا می‌خوانیم، هشام بن سالم می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: انما حرم الله عز و جل الربا لکیلا یمتنع الناس من اصطناع المعروف: خداوند ربا را حرام کرده تا مردم از کار نیک امتناع نورزند.